

دلیل دوم) دلیل عقل (دلیل انسداد)

۱. در کلمات فقها گاه این دلیل را دلیل انسداد^۱ می نامند و گاه دلیل عقل برمی شمارند.^۲ و چنانکه ذیل کلام مرحوم آخوند خواندیم، مرحوم سید ابوالحسن اصفهانی، این دلیل را دلیل عقل فطری برمی شمارد.^۳
۲. مرحوم شیخ انصاری این دلیل را چنین تقریر می کند:

«حکم العقل بانه بعد بقاء التكليف و انسداد باب العلم , و عدم وجوب الاحتياط للزوم العسر اذا دار الامر بين العمل على الاجتهاد الناقص الذي يتمكن منه العامي , و العمل على التمام الذي يتمكن منه المجتهد , كان الثانی ارجح لكونه اقرب الى الواقع»^۴

توضیح:

۱. وقتی می دانیم که تکلیف داریم و عقلاً باید به تکالیف عمل کنیم
۲. و باب علم (از طریق اجتهاد) به احکام مسدود است
۳. و احتیاط هم واجب نیست (چرا که باعث عسر و حرج می شود)
۴. در این صورت مکلف دایره مدار آن است که به اجتهاد ناقص خود عمل کند (به اندازه ای که می تواند اجتهاد کند)
۵. و یا به اجتهاد کامل مجتهد عمل کند
۶. دو می اقرب به واقع و ارجح است.

ما می گوئیم:

۱. اینکه اجتهاد ممکن نیست به این جهت است که حتی اگر بگوییم همه مردم باید مجتهد شوند، باز هم از ابتدای بلوغ امکان تحصیل ملکه اجتهاد فراهم نیست و لذا لاجرم باید مدتی را تقلید کرد.^۵ ضمن اینکه اجتهاد بالضروره واجب عینی نیست.
۲. اینکه احتیاط بر همه واجب نیست به دو جهت قابل اثبات است، یکی اینکه همه توان این کار را ندارند (عسر و حرج) و دیگر اینکه اگر همه مردم بخواهند احتیاط کنند اختلال نظام پیش می آید.
۳. وقتی اجتهاد و احتیاط بر همه واجب نیست، پس معلوم می شود شارع راه دیگری را قرار داده است.

۱. التنقیح فی شرح العروة الوثقی، خوبی، ج ۱، ص ۶۳

۲. الاجتهاد و التقليد، اصفهانی، ص ۱۷

۳. منتهی الوصول، ص ۳۸۶

۴. مجموعه رسائل فقهیه و اصولیه، ص ۴۸

۵. ن ک: التنقیح فی شرح العروة الوثقی، خوبی، ج ۱، ص ۶۳





۴. این راه نمی‌تواند چنین باشد که مکلف به ظنون شخص خود عمل کند (ظن او اقرب الی الواقع نیست؛ چراکه او از اهل نظر نیست)

«وبهذا الطريق يستكشف العقل أن الشارع قد نصب في الشريعة طريقاً آخر إلى الأحكام الواقعية بالإضافة إلى العامی فلا يسوغ له أن يأخذ بالعمل بمظنوناته ويترك مشكوكاته وموهوماته ، وذلك لأنه ليس للمقلد ظنّ بالأحكام فإنه ليس من أهل النظر والاجتهاد . على أن ظنّه كشكّه ووهمه لا أقریبه له إلى الواقع بالنسبة إلى شقیهه ، لعدم ابتناؤه على النظر في أدلة الأحكام فليس له طريق أقرب إلى الواقع من فتوی مقلده.»^۱

۵. مرحوم خوبی درباره این دلیل به نکته‌ای اشاره می‌کند و می‌نویسد که مجتهدین نمی‌توانند از دلیل انسداد برای جواز تقلید استفاده کنند ولی عامی می‌تواند. به این معنی که اگر مجتهدی، قائل به انسداد باب علم است نمی‌تواند از مجتهدی که قائل به انفتاح باب علم است، تقلید کند چرا که مجتهد انسدادی اگرچه باب علم را بر خود منسد می‌داند ولی علم دارد که مجتهد انفتاحی اشتباه می‌کند. ولی عامی چنین وضعیتی ندارد.

«أن دليل الانسداد وإن لم يتم بالإضافة إلى المجتهد ، فإن من يرى انسداد باب العلم الذي من مقدماته عدم التمكن من الاجتهاد ، كيف يرخص الرجوع إلى فتوى من يرى إنفتاحه ويدعى التمكن من الاجتهاد وذلك لعلمه بخطئه ومع تخطئه لا يتمكن العامی من الرجوع إليه ، إلا أنه تام بالإضافة إلى العامی»^۲

ما می‌گوییم:

۱. تمام دلیل انسداد به این نقطه منتهی می‌شود که «بر مکلف، عمل به تکلیف واجب است. و احتیاط و اجتهاد واجب نیست»

۲. حال چرا باید تقلید کند؟ دلیل انسداد می‌گوید باید به تکلیف مظنون عمل کند

۳. مثلاً اگر می‌دانیم در سفر تکلیف داریم ولی تکلیف خود را نمی‌دانیم، باید به سراغ «ظن» برویم (مثلاً اگر ظن داریم که در سفر نماز قصر است و وهم داریم که نماز تمام است، باید به ظن خود عمل کنیم)

۴. حال نکته اینجاست که آیا مکلف باید به ظن خود عمل کند و یا به ظن مجتهد؟

۵. مرحوم شیخ می‌گفتند چون ملاک عمل به ظن «اقرب بودن الی الواقع» است، مکلف «ظن مجتهد به واقع» را از نظر خود اقرب می‌داند. و لذا دلیل انسداد عمل به آن ظن را برای مکلف ثابت می‌کند (یعنی در چنین جایی، مکلف احتمال راجح (ظن) می‌دهد که نظر مجتهد به واقع نزدیک باشد)

۱. التنقیح فی شرح العروة الوثقی، خوبی، ج ۱، ص ۶۳

۲. همان



۶. ولی مرحوم خوبی در اینجا می‌گفت که چون «ظن مقلد» مثل وهم و شک مقلد اقرب الی الواقع نیست (چراکه مبتنی بر رجوع به ادله نیست)؛ پس دلیل انسداد، ظن مقلد را حجت نمی‌داند.

۷. این در حالی است که ظن مقلد نسبت به وهم مقلد، اقرب الی الواقع است و اینکه مبتنی بر ادله نیست، باعث نمی‌شود که اقرب الی الواقع نباشد - چنانکه خواهیم آورد - و به عبارتی اصلاً آنچه برای مکلف حاصل است، ظن شخصی او به اقربیت نظر مجتهد از نظر شخص مقلد است (و اصلاً «اقرب الی الواقع» یعنی مظنون) و لذا تقریر مرحوم شیخ در این دلیل قابل پذیرش است.

۸. مرحوم عراقی دقیقاً با توجه به آنچه گفتیم، ابتدا می‌نویسد:

«یحکم عقله السلیم بلزوم الرجوع الی فتوی المجتهد لكونها اقرب الطرق لديه الی الواقع»^۱

و سپس اشکال می‌کند:

«وعلی ذلک یشکل فی مرجعیه فتوی المجتهد فی تعیین وظائفه فی الموارد التي یكون المقلد

ظاناً علی خلاف رای المجتهد»^۲

توضیح:

دلیل انسداد تا جایی تقلید را حجت می‌کند که مقلد نظر مجتهد را نسبت به نظر خودش اقرب الی الواقع، بداند ولی اگر به هر علت نظر خود را و ظن خود را از نظر مجتهد، اقرب الی الواقع به حساب آورد، دیگر دلیل انسداد نمی‌تواند حجیت نظر مجتهد را ثابت کند.

۹. مرحوم اصفهانی (بدون اینکه اشاره به نام دلیل انسداد کند) وقتی دلیل عقل (که همان انسداد است) را مطرح می‌کند، پس از اینکه می‌نویسد «بعد از اینکه دانستیم برای اطاعت امر شارع احتیاط قطعاً واجب نیست (چراکه موجب عسر و حرج می‌شود و همچنین مکلف راه احتیاط کردن را هم نمی‌داند)، تنها دو راه باقی می‌ماند. یا مکلف باید اجتهاد کند و یا به سراغ مجتهد برود»^۳

ظاهراً با توجه به اشکال محقق عراقی می‌نویسد:

«بل لو احتمال حينئذ لزوم العمل بظنه كان المتعين عقلاً هو التقليد، لاحتمال تعينه حتى قيل إنه من

ضروریات الدین أو المذهب دون تعین الظن»^۴

۱. نهاية الافکار، ج ۴، ص ۲۴۱

۲. همان

۳. الاجتهاد و التقليد، ص ۱۷

۴. بحوث فی الاصول، ص ۱۷



درس علاج نقادانه اساتید حسن خمینی

روشن است که مسیر مرحوم اصفهانی، از حجیت ظن (که مدلول دلیل انسداد است) بهره نمی‌گیرد بلکه به ضرورت دین متوسل می‌شود چرا که متوجه است در دلیل انسداد، آنچه ملاک قرار می‌گیرد حجیت ظن شخص مکلف است.